

۱۵۴ - ای نفس مؤید نامه بلیغ رسید مضمون مشحون از راز درون بود و آن خلجت و شرمساری در درگاه حی قیوم بلی این سزاوار نفوس راضیه مرضیه است و در این مقام شرمساری عین بزرگواری و مغناطیس عون و عنایت حضرت باری بنده باید چنین باشد و لو از سرج علیین باشد همواره تقصیر خویش ببند و لو کان عبدا شکورا زیرا قصور از لوازم ذاتیه حقیقت امکانیه است انفکاک بتمامه ممتنع و محالست ولی انسان هوشیار از انتباه بر قصور شرمسار است و ابلهان در نهایت غفلت و استکبار و اما مسئله نطق و بیان و اقامه دلیل و برهان بر ظهور جمال یزدان چون تأیید برسد سهل و آسان گردد لهذا توجه بحضرت رحمن نما و زبان بگشا و در و گهر بیفشا و لیس ذلک علی الله بعزیز و سؤال فرموده بودید که چه افعال و اعمال و اذکار و اقوال موافق رضای خداست و اکسیر اعظمست بدان که هر روزی را اقتضائی و هر عصری را اختصاصی و هر فصلی را اصلی و هر موسمی را لوازمی و رسمی امروز اخص اعمال و افضل افعال ثبات و استقامت در امر ذوالجلال ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة و استقم كما أمرت و همچنین مقاومت سیل امتحان و طوفان افتتان و چون انسان با کمال حکمت به تبلیغ پردازد تأیید رسد و جمیع مقامات حاصل گردد چه اکسیری است اعظم از ذکر حق و چه دریاقیست شافی‌تر از فکر حق لعمرک إن القوم لفی خسران مبین إلا من ثبت فنبت و استقام بقدم راسخ فی هذا الامر العظیم ان ربک لهو المؤید الموفق الکریم